

آیت الله ایمانی

نماینده‌ی ولی فقیه در استان فارس

و امام جمعه‌ی شیراز

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده‌ی ما را انیس و مونس شد

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد

کرشمه‌ی تو شرابی به عارفان پیمود که علم بی‌خبر افتاد و عقل بی‌حس شد

دلیل این‌که در قرن ۱۵ هجری و ۲۱ میلادی دیوان حافظ همانند گذشته زینت‌بخش و گرمابخش خانه‌ها و تسلی‌بخش دل‌های رمیده و از نوا افتاده‌ی انسان‌های عصر حاضر است، این‌که در نظام جمهوری اسلامی ایران بزرگداشت خواجه‌ی راز با حضور رهبر معظم انقلاب، که آن زمان بر مسند ریاست جمهوری بودند، آغاز می‌شود و امروز نیز برای چندمین بار شاهد حضور رئیس جمهور محترم، جناب آقای احمدی‌نژاد، در آئین بزرگداشت خواجه‌ی شیراز هستیم، این‌که دانشمندان و ادیبان جهان زبان به ذکر جمیل او گشوده و با عبدالرحمان جامی در این سخن که «سخنان حافظ چنان بر مشرب طبقات واقع شده که هیچ کس را آن اتفاق نیفتاده است» هم‌آوا شده یا هم‌سخن با شاعر بلند

آوازه‌ی آلمان، گوته، که می‌گوید: «اگر کسی تصور کند که چون شاعر است می‌تواند مثل حافظ باشد، بدانید او دیوانه است».

هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو این جاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه که لطف نظم و سخن گفتن دری باشد

و بالاخره این‌که عارفان و سالکان طریق جذب و وصول، سخن دل خود را از زبان حافظ می‌شنوند و توشه‌ی راه را از انفاس قدسی او می‌طلبند، همه به این دلیل است که او اغلب و محتوای سخن خود را بر اساس قرآن، کتاب وحی، سخنان پیامبر و اهل بیت والاتبار ایشان استوار ساخته است.

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق بدرقه‌ی رهت شود همت شحنه‌ی نجف

در پایان همان‌گونه که سخن با غزل حافظ درباره‌ی خاتم الانبیا، پیامبر اسلام، شروع شد؛ ختم سخن را هم غزلی دیگر از خواجه‌ی راز در مورد خاتم الاوصیا قرار می‌دهم.

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان، غم مخور کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان، غم مخور

این دل غم‌دیده حالش به شود، دل بد مکن این سر شوریده باز آید به سامان، غم مخور

حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار تا بود وردت دعا و درس قران غم مخور